

بررسی عوامل واسطه‌ای در مسیر اثرگذاری ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی



چکیده

ناترازی بانک‌ها به‌عنوان یکی از مشکلات ساختاری در سیستم بانکی، می‌تواند تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر بنگاه‌های اقتصادی و به‌تبع آن رشد اقتصادی کشور داشته باشد. ناترازی به معنای عدم تعادل میان دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌هاست و می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد نهادهای متأثر از نظام بانکی و یا وابسته به این نظام تأثیرگذار باشد. این مقاله با روش اسنادی تحلیلی به شناخت مکانیسم‌های اثرگذاری ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی می‌پردازد. اهمیت موضوع آنجاست که سیاست‌گذاران اقتصادی باید برای بهبود عملکرد اقتصادی بنگاه‌ها به متغیرهایی توجه ویژه نموده که تأثیرات منفی ناترازی بانک‌ها را بر بنگاه‌های اقتصادی کاهش دهند. چراکه از طرفی به دلیل مسائلی همچون ضعف‌های نظارتی داخلی و خارجی، که بیشتر شامل ضعف‌های حسابرسی و نظارت بانک مرکزی است و به دلیل عدم شفافیت کافی، بانک‌ها قادر به پنهان کردن ناترازی خود از طریق ایجاد دارایی‌های موهومی هستند و از طرف دیگر ناترازی‌های بانکی می‌توانند زنجیره‌ای از اثرات منفی را در کل سیستم اقتصادی به همراه داشته باشند و لذا هر گونه اختلال در عملکرد بانک‌ها، می‌تواند به شدت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و رشد بنگاه‌ها تأثیر بگذارد.

بر مبنای یافته‌های تحقیق اثرات مستقیم ناترازی بانک‌ها بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی عبارت‌اند از: افزایش هزینه‌های تأمین مالی، کاهش دسترسی به اعتبار، کاهش ظرفیت تولید، اثر بر اشتغال، کاهش رقابت‌پذیری، اثر بر قیمت‌گذاری و حاشیه سود، اثر بر نوآوری و تحقیق و توسعه؛ و اثرات غیرمستقیم ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی نیز عبارت‌اند از: ریسک‌های سیستماتیک، افزایش بیکاری، تأثیر بر زنجیره تأمین، کاهش سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی، افزایش ریسک‌های اقتصادی، تأثیر بر روابط بین‌الملل، تأثیر بر ثبات اجتماعی، تأثیر بر نوآوری و توسعه.

کلیدواژه‌گان: ناترازی بانک، عوامل واسطه‌ای، بنگاه اقتصادی

وحید ارشدی^۱، مهدی ندیمی کاخکی^۲

۱. علوم اقتصادی، گروه پژوهشی اقتصاد اسلامی پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
۲. اقتصاد و معارف اسلامی، گروه اقتصاد، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: v.arshadi@um.ac.ir

شماره ۱۴۰۴ © تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

شماره استناددهی: ارشدی، وحید، و ندیمی کاخکی، مهدی. (۱۴۰۴). بررسی عوامل واسطه‌ای در مسیر اثرگذاری ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی. *اقتصاد و سیاست‌گذاری مالی*، ۳(۲)، ۱-۱۴.

Examining Mediating Factors in the Pathway of the Impact of Banking Imbalances on Economic Enterprises

Abstract

Banking imbalance, as one of the structural problems in the banking system, can have profound and wide-ranging effects on economic enterprises and, consequently, on the country's economic growth. Imbalance refers to the mismatch between banks' assets and liabilities and can directly and indirectly influence the performance of institutions affected by or dependent on the banking system. This article, through an analytical-documentary method, seeks to identify the mechanisms through which banking imbalances affect economic enterprises. The importance of this subject lies in the fact that economic policymakers must pay special attention to variables that can mitigate the negative impacts of banking imbalances on enterprises in order to improve their economic performance. On the one hand, due to issues such as weaknesses in internal and external oversight—primarily including deficiencies in auditing and central bank supervision—and the lack of sufficient transparency, banks are able to conceal their imbalance through the creation of fictitious assets. On the other hand, banking imbalances can generate a chain of negative effects across the entire economic system. Therefore, any disruption in the functioning of banks can significantly affect investment decisions and the growth of enterprises. Based on the research findings, the direct effects of banking imbalances on the performance of economic enterprises include: increased financing costs, reduced access to credit, decreased production capacity, impacts on employment, diminished competitiveness, effects on pricing and profit margins, and impacts on innovation and research and development. The indirect effects of banking imbalances on economic enterprises include: systemic risks, increased unemployment, effects on the supply chain, reduced public and private investment, heightened economic risks, impacts on international relations, impacts on social stability, and impacts on innovation and development.



Vahid Arshadi^{1*}, Mahdi Nadimi Kakhki²

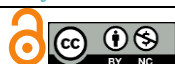
1. Economic Sciences, Islamic Economics Research Group, Research Institute for Islamic Studies in Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

2. Economics and Islamic Studies, Department of Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email:
v.arshadi@um.ac.ir

How to cite: Arshadi, V., & Nadimi Kakhki, M. (2025). Examining Mediating Factors in the Pathway of the Impact of Banking Imbalances on Economic Enterprises. *Economics and Financial Policymaking*, 2(2), 1-14.

Keywords: Banking imbalance, mediating factors, economic enterprise



ناترازی بانک‌ها به‌عنوان یک پدیده اقتصادی و مالی پیچیده، موضوعی است که در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده است. ناترازی به معنای عدم تعادل میان دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌هاست و می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد نهادهای متأثر از نظام بانکی و یا وابسته به این نظام تأثیرگذار باشد. بانکی که ارزش دارایی‌هایش کمتر از بدهی‌هایش شود و سرمایه آن قادر به جذب این حجم زیان نباشد، دچار ناترازی دارایی و بدهی است. این ناترازی ممکن است به دلیل کاهش ارزش دارایی‌ها (ناشی از نکول وام‌ها یا افت ناگهانی ارزش سرمایه‌گذاری‌های بانک مثلاً به دلیل ترکیدن حباب قیمت دارایی‌ها) یا به دلیل رشد سریع‌تر بدهی‌ها نسبت به دارایی‌ها (به دلیل خلق پول بی‌ضابطه توسط بانک) رخ دهد. یکی از پیچیدگی‌های ناترازی دارایی و بدهی این است که به دلیل ضعف‌های نظارتی داخلی و خارجی، که بیشتر شامل ضعف‌های حسابرسی و نظارت بانک مرکزی است و به دلیل عدم شفافیت کافی، بانک‌ها قادر به پنهان کردن ناترازی خود از طریق ایجاد دارایی‌های موهومی هستند. شناخته‌شده‌ترین روش‌ها برای این کار، استمهال مطالبات غیرجاری یا غیرقابل‌وصول، بیش‌ارزش‌گذاری دارایی‌های ثابت و سرمایه‌گذاری‌های بانک است. به دلیل همین عدم شفافیت‌ها و گزارش‌دهی نادرست بانک‌ها، در بسیاری از موارد، ورشکستگی بانک‌ها به صورت یک شوک پیش‌بینی‌نشده رخ می‌دهد و بسیاری از سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران تا پیش از وقوع آن، از وضعیت نامطلوب بانک آگاهی کافی ندارند (مرکز پژوهش‌های مجلس جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰). در جهانی که اقتصادها به شدت به یکدیگر وابسته هستند، ناترازی‌های بانکی می‌توانند زنجیره‌ای از اثرات منفی را در کل سیستم اقتصادی به همراه داشته باشند. بانک‌ها به‌عنوان واسطه‌های اصلی مالی، وظیفه تأمین منابع مالی برای بنگاه‌ها را بر عهده دارند. در این راستا، هر گونه اختلال در عملکرد بانک‌ها، می‌تواند به شدت بر تصمیمات سرمایه‌گذاری و رشد بنگاه‌ها تأثیر بگذارد. یک شبکه بانکی کارآمد می‌تواند به عنوان یک تسهیل‌کننده و یک شبکه بانکی ناکارآمد به عنوان یک مانع در مکانیزم‌های انتقال سیاست‌های پولی عمل کند. مهم‌ترین جنبه کارآمدی شبکه بانکی نیز در وضعیت ناترازی آن منعکس می‌شود. بررسی ترازنامه نظام بانکی کشور و دارایی‌ها و بدهی‌های واقعی بانک‌ها نشان‌دهنده ناترازی این نظام در سال‌های گذشته، اختلاف معنادار بین دارایی‌های واقعی و بدهی‌ها، و انباشت دارایی‌های موهوم و منجمد در بخش دارایی‌های بانک‌ها است. افزایش ریسک نقدینگی و ناترازی نظام بانکی، متغیرهای کلان اقتصادی مهم از جمله رشد اقتصادی، تورم و همچنین سیاست‌های پولی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (شیرجیان و همکاران، ۱۴۰۲). این مقاله به طور جامع و با استفاده از چارچوب‌های نظری به تحلیل ناترازی‌های بانکی و تأثیرات آن بر بنگاه‌ها می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این پرسش است که ناترازی بانک‌ها چگونه و از طریق چه مکانیسم‌هایی می‌تواند بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی تأثیر بگذارد. برخی از این کانال‌ها می‌توانند هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر روی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی تأثیرگذار باشند که به آن‌ها اشاره خواهد شد. یافته‌های این تحقیق می‌تواند راه‌گشای تحلیل‌های سیاستی در حوزه‌های مختلف از جمله تثبیت مالی، بهبود دسترسی به اعتبار، و تقویت ثبات اقتصادی باشد.

مبانی نظری

بخش بانکی، از جمله مؤسسات مالی حیاتی در جوامع قدرتمند محسوب می‌شوند، زیرا نقش مهمی در اجرای سیاست‌های اقتصادی، به‌ویژه سیاست‌های مالی و پولی ایفا می‌کنند. آن‌ها به عنوان واسطه‌های مالی بین سپرده‌گذاران و متقاضیان تسهیلات عمل کرده و با استفاده از منابع خود و سپرده‌های مردم، اقدام به اعطای تسهیلات می‌کنند (آقایی و رضاقلی‌زاده، ۱۳۹۵). فعالیت‌های این مؤسسات برای عملکرد صحیح اقتصادی و عملیات مالی دولت ضروری بوده و زمینه‌ساز رشد و پویایی نظام مالی و در نتیجه، توسعه اقتصادی است (دولو و همکاران، ۱۳۹۶). با این حال، بحران‌های بانکی می‌توانند به رکود اقتصادی و اختلالات شدید منجر شوند. بنابراین، تشخیص و مدیریت به‌موقع بحران‌های احتمالی در بانک‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است (کریستوف و ویراگ، ۲۰۲۲). چراکه ایجاد بحران در سیستم بانکی به علت بازنگشتن مطالبات و

وابستگی گسترده فعالیت‌های سایر بخش‌های اقتصادی به بانک‌ها برای تجهیز منابع، به سرعت به بخش واقعی اقتصاد، تسری می‌یابد و در نتیجه می‌تواند کل نظام اقتصادی را با مخاطراتی مواجه کند و باتوجه به ارتباط گسترده بانکی با بخش‌های کلان اقتصاد کشور، شوک‌هایی که از شبکه بانکی آغاز شود، می‌تواند رفتار کارگزاران و متغیرهای کلان اقتصادی مانند تولید و تورم را تحت تأثیر قرار دهد (چنارانی و همکاران، ۱۴۰۲). ناترازی و انباشت ریسک در شبکه بانکی یکی از مهم‌ترین بحران‌های بی‌ثباتی اقتصادی کلان در ایران معرفی شده است. این موضوع طی دو دهه گذشته باعث مشکلاتی نظیر انحراف اعتبارات از تولید به فعالیت‌های غیرمولد، کاهش ارزش پول ملی، تورم و بی‌ثباتی مالی شده است (بانک مرکزی، ۱۴۰۱). دارایی‌های بانک‌ها به طور علمی و دقیق به تمامی منابعی اطلاق می‌شود که یک بانک در اختیار دارد و از آن‌ها برای کسب درآمد یا ایفای تعهدات خود استفاده می‌کند. بدهی‌های بانک‌ها نیز به تمامی تعهدات مالی اطلاق می‌شود که یک بانک به دیگر مؤسسات مالی، مشتریان یا سایر ذی‌نفعان دارد و باید در زمان معین آن‌ها را پرداخت کند. دارایی‌ها و بدهی‌های بانک‌ها را به طور خلاصه می‌توان در جدول زیر مشاهده کرد (شیرجیان و همکاران، ۱۴۰۲):

جدول ۱. دارایی‌ها و بدهی‌ها

دارایی‌ها	بدهی‌ها
موجودی نقد	بدهی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری
مطالبات از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	سپرده‌های مشتریان
تسهیلات اعطایی و مطالبات از اشخاص دولتی	سود سهام پرداختنی
تسهیلات اعطایی و مطالبات از اشخاص غیردولتی	ذخایر مطالبات
سرمایه‌گذاری در سهام و سایر اوراق بهادار	ذخایر و سایر بدهی‌ها (مالیات، پایان خدمت و...)
سایر حساب‌های دریافتنی	حقوق صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری (اصل + سود سپرده‌های مدت‌دار)
دارایی‌های ثابت مشهود	جمع بدهی‌ها
سپرده قانونی	سرمایه
سایر دارایی‌ها	جمع حقوق صاحبان سهام
	مجموع بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام

مهم‌ترین عامل کاهش ارزش دارایی‌های بانکی، مطالبات معوق و لاوصول نظام بانکی است که عمده‌ترین دلایل ایجاد آن شرایط رکود حاکم بر کسب و کارها، آثار تحریم‌ها و نوسان‌های شدید ارزی، بازپرداخت نشدن مطالبات پیمانکاران دولت، رعایت نکردن بهداشت اعتباری و کلاهبرداریان بانکی است. از دلایل اصلی رشد فزاینده بدهی‌ها و ناترازی پنهان در شبکه بانکی نیز می‌توان به عدم کاهش نرخ سود سپرده متناسب با نرخ تورم و چسبندگی آن، رقابت مخرب میان بانک‌ها، فعالیت مؤسسات غیرمجاز، انتشار اوراق مشارکت دولتی و بانک مرکزی با نرخ‌های بالا و همچنین نرخ بالای سود اسناد خزانه دولت اشاره کرد (عبداللهی پور و بت شکن، ۱۳۹۹؛ درودیان و حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۹). اگر بدهی‌ها بیشتر از دارایی‌ها باشد به این معناست که دارایی‌های یک بانک به اندازه کافی نمی‌تواند بدهی‌های آن را پوشش دهد. بر اساس تعریف کمیته استانداردهای حسابداری مالی، ارزش دارایی‌های مالی بانک بر اساس جریان نقد ورودی تعدیل شده آن دارایی محاسبه می‌شود. بنابراین، وقتی ارزش دارایی‌های یک بانک کمتر از میزان سپرده‌های آن بانک باشد، بدین معنی است که دارایی‌های بانک جریان نقد ورودی تولید نمی‌کنند. ارزش دارایی‌های مالی باید متناسب با جریان نقدی که تولید می‌کنند، تعدیل شود. اگر جریان نقد یک دارایی مالی کاهش یابد اما ارزش آن

در صورت‌های مالی بانک به طور متناسب کاهش نیابد، یا زیان حاصل از کاهش ارزش دارایی‌ها جبران نشود، ناترازی رخ می‌دهد (چنارانی و همکاران، ۱۴۰۲).

پیشینه مطالعات

مطالعات مختلفی در این زمینه صورت گرفته است که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

پیشینه مطالعات خارجی

راش و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به تحلیل اثرات ناترازی بانک‌ها بر ثبات مالی و قدرت اعتباردهی در اقتصادهای پیشرفته پرداختند. آن‌ها مشاهده کردند که ناترازی‌های بانکی در صورت عدم کنترل، می‌توانند منجر به بحران‌های مالی شوند که تأثیرات شدیدی بر تولید اقتصادی و اشتغال دارند.

میکا و همکاران در مطالعه‌ای که در سال ۲۰۲۲ انجام دادند، اثرات ناترازی‌های بانکی بر عملکرد بازارهای پولی و نقدینگی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که ناترازی بانک‌ها می‌تواند منجر به ایجاد بحران‌های مالی در سطح بین‌المللی شود و از این رو، برای حفظ ثبات اقتصادی، ضرورت دارد که سیاست‌های پولی و نظارتی مناسب برای کنترل ناترازی‌های بانکی اجرا شود.

هان و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این موضوع می‌پردازند که آیا ریسک‌ها موجود در ترازنامه‌ی بانک‌ها می‌تواند بحران‌های بانکی را پیش‌بینی کند یا خیر. ایشان سطوح پایین دارایی‌های نقد و بدهی‌های مالی داخلی، سطوح بالای بدهی خارجی و افزایش اهرم مالی بالا را شاخص‌های اصلی بحران‌های بانکی می‌دانند.

در تحقیقی که توسط آرچیبالد و همکاران (۲۰۲۰) انجام شد، ناترازی بانک‌ها در زمان بحران‌های مالی بررسی گردید. این تحقیق نشان داد که بانک‌هایی که دچار ناترازی هستند، به طور قابل توجهی قدرت اعطای اعتبار خود را از دست می‌دهند و این امر باعث کاهش تولید ناخالص داخلی و تضعیف بخش‌های مختلف اقتصادی می‌شود.

پیشینه مطالعات داخلی

علوی و همکاران در تحقیقی که در سال ۱۴۰۳ منتشر شد، به تحلیل تأثیر ناترازی‌های بانکی بر بازدهی بازارهای سرمایه در ایران پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که ناترازی‌های بانکی می‌تواند باعث افزایش ریسک‌ها در بازارهای سرمایه شود و اثرات منفی بر جذب سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی داشته باشد.

زاهدی و همکاران در سال ۱۴۰۲ تحقیقی انجام دادند که در آن اثرات ناترازی‌های بانک‌ها بر سیستم مالی و نقدینگی ایران مورد تحلیل قرار گرفت. این تحقیق نشان داد که ناترازی‌های بانک‌ها می‌تواند منجر به کاهش جریان نقدینگی در سیستم مالی کشور شود و اثرات منفی بر تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله تولید و اشتغال داشته باشد.

در تحقیق رحیمی و همکاران که در سال ۱۴۰۱ منتشر شد، اثرات ناترازی بانک‌ها بر تأمین مالی بخش خصوصی در ایران بررسی شد. این مطالعه نشان داد که ناترازی‌های موجود در ترازنامه بانک‌ها، به‌ویژه در بخش دولتی، موجب کاهش توان تأمین مالی برای پروژه‌های تولیدی و کارآفرینی می‌شود و در نهایت، بر رشد اقتصادی کشور تأثیر منفی می‌گذارد.

عبداللهی‌پور و بت‌شکن (۱۴۰۰) در پژوهش خود با موضوع راه کارهای بازسازی مالی بانک‌ها در ایران، راهکارهای ناترازی بانک‌ها، شامل ۱۳ مورد را استخراج کرده که در ۵ طبقه‌بندی کلی قرار گرفت. این طبقه‌بندی عبارت است از: تعیین تکلیف بانک‌های ناسالم با اضافه برداشت بالا، ارتقای نظام نظارت بانک مرکزی بر بانک‌ها، تعیین تکلیف اموال مازاد بانک‌ها و بهینه‌سازی شبکه شعب، کاهش مطالبات غیرجاری بانک‌ها و سیاست‌گذاری و مقرراتی.

روش تحقیق

روش این پژوهش اسنادی تحلیلی است. پژوهش اسنادی تحلیلی یکی از روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، انسانی و سایر رشته‌ها است که معمولاً برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، مستندات تاریخی، و اطلاعات موجود در منابع مختلف به کار می‌رود. پژوهش اسنادی تحلیلی به دلیل قابلیت استخراج داده‌ها از منابع متنوع و همچنین تحلیل اطلاعات موجود به طور عمیق، یکی از روش‌های محبوب در پژوهش‌های کیفی به شمار می‌رود. در این روش پژوهشی، محقق به تحلیل و بررسی اسناد و منابع مختلف می‌پردازد تا به پاسخ سؤالات پژوهشی دست یابد و یا به فهم بهتری از یک پدیده یا موضوع خاص برسد.

یافته‌های پژوهش

مستندات علمی بیانگر اثرات مستقیم و غیرمستقیم ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی است:

الف) اثرات مستقیم ناترازی بر بنگاه‌ها

در این بخش، به بررسی اثرات مستقیم ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی خواهیم پرداخت.

افزایش هزینه‌های تأمین مالی

ناترازی بانک‌ها می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های تأمین مالی برای بنگاه‌ها شود. زمانی که بانک‌ها دچار ناترازی می‌شوند، آن‌ها به دلیل افزایش ریسک، معمولاً نرخ‌های بهره بالاتری را برای وام‌ها تعیین می‌کنند. این افزایش هزینه‌ها و بالاتر رفتن هزینه‌های وام‌گیری می‌تواند به طور مستقیم بر حاشیه سود بنگاه‌ها تأثیر بگذارد و آن‌ها را در انجام پروژه‌های جدید محدود کند، به طوری که آن‌ها نتوانند پروژه‌های جدید را با نرخ‌های بالای بهره توجیه کنند سرمایه‌گذاری‌های جدید را به تأخیر بیندازند یا حتی از آن‌ها صرف‌نظر کنند.

کاهش دسترسی به اعتبار

در شرایطی که بانک‌ها دچار ناترازی هستند، به دلیل نگرانی از عدم بازپرداخت وام‌ها، ممکن است اعطای اعتبار به بنگاه‌ها را محدود و شرایط وام‌دهی را سخت‌تر کنند. این کاهش دسترسی به اعتبار به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط را که معمولاً به منابع مالی بیشتری نیاز دارند، ممکن است با مشکل مواجه کند و این موضوع می‌تواند به کاهش نوآوری و کاهش توان رقابتی آن‌ها منجر شود. در نتیجه، عدم دسترسی به اعتبار می‌تواند به ناتوانی در توسعه و گسترش فعالیت‌ها و در نهایت به کاهش اشتغال منجر شود.

کاهش ظرفیت تولید

افزایش ناترازی بانک‌ها می‌تواند به عدم سرمایه‌گذاری در تکنولوژی و زیرساخت‌ها و کاهش دسترسی بنگاه‌های اقتصادی به اعتبارات و تسهیلات بانکی منجر شود. این موضوع به نوبه خود باعث کاهش ظرفیت تولید بنگاه‌ها می‌شود و امکان پاسخگویی به تقاضای بازار را محدود می‌کند. این کاهش در سرمایه‌گذاری نه تنها از به‌روزرسانی و بهبود تجهیزات و فرایندهای تولید جلوگیری می‌کند، بلکه مانع از افزایش کارایی و بهره‌وری بنگاه‌ها نیز می‌شود. در نتیجه، بنگاه‌ها توانایی خود را برای پاسخگویی به تقاضای بازار از دست داده و ظرفیت تولیدی آن‌ها کاهش می‌یابد.

اثر بر اشتغال

کاهش دسترسی به اعتبار و افزایش هزینه‌های تأمین مالی به معنای کاهش توانایی بنگاه‌ها در استخدام و نگهداری کارکنان است. زمانی که بنگاه‌ها نمی‌توانند به راحتی وام بگیرند یا هزینه‌های بالایی برای تأمین مالی پروژه‌های خود دارند، ممکن است ناچار شوند که تعدادی از کارکنان خود را اخراج کنند یا از استخدام‌های جدید صرف‌نظر کنند. این موضوع به نوبه خود می‌تواند به افزایش نرخ بیکاری منجر شود و فشارهای اجتماعی و اقتصادی بیشتری را به دنبال داشته باشد. در واقع، چرخه معیوبی ایجاد می‌شود که در آن کاهش اشتغال به کاهش مصرف و تقاضا منجر می‌شود و این امر می‌تواند به رکود اقتصادی و نهایتاً ناترازی بانکی دامن بزند.

کاهش رقابت‌پذیری

زمانی که بنگاه‌ها با مشکلات تأمین مالی مواجه هستند، نمی‌توانند به طور مؤثر در بازار رقابت کنند. این وضعیت می‌تواند به ناتوانی در ارائه محصولات و خدمات با کیفیت و قیمت مناسب، و در نتیجه به کاهش سهم بازار و درآمد بنگاه‌ها آسیب برساند. به علاوه، بنگاه‌هایی که به دلیل ناترازی‌های بانکی با مشکل تأمین مالی مواجه هستند، ممکن است نتوانند در تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کنند و این امر می‌تواند به کاهش نوآوری و بهبود کیفیت محصولات و خدمات منجر شود.

اثر بر قیمت‌گذاری و حاشیه سود

ناترازی‌های بانکی می‌تواند به افزایش هزینه‌های عملیاتی بنگاه‌ها و به دنبال آن به کاهش حاشیه سود منجر شود. افزایش نرخ سود سپرده به عنوان یک نتیجه مستقیم از ناترازی‌های بانکی، هزینه‌های تأمین مالی بنگاه‌ها را بالا می‌برد. این افزایش هزینه می‌تواند به کاهش حاشیه سود منجر شده و توانایی بنگاه‌ها برای سرمایه‌گذاری مجدد در فعالیتهای خود را محدود کند. نهایتاً بنگاه‌ها ممکن است برای جبران هزینه‌های بالاتر، قیمت‌های خود را افزایش دهند که منجر به کاهش تقاضا و افزایش فشار بر وضعیت مالی آن‌ها خواهد شد.

اثر بر نوآوری و تحقیق و توسعه

بنگاه‌ها معمولاً برای توسعه محصولات جدید و بهبود فرایندهای خود نیاز به سرمایه‌گذاری دارند. اما در شرایط ناترازی، تأمین مالی این نوع فعالیت‌ها برای بنگاه‌ها دشوار می‌شود. این موضوع می‌تواند به کاهش نوآوری و توان رقابتی بنگاه‌ها منجر شود و به طور کلی به پیشرفت‌های صنعتی آسیب بزند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد که اقتصادهایی که در آن‌ها دسترسی به منابع مالی برای نوآوری محدود است، معمولاً از نظر رشد اقتصادی و پیشرفت فناوری عقب‌افتاده‌تر هستند.

در نتیجه، ناترازی بانک‌ها به طور مستقیم بر بنگاه‌های اقتصادی تأثیرگذار است و می‌تواند به ایجاد یک چرخه معیوب منجر شود که در آن ناترازی‌های بانکی، کاهش سرمایه‌گذاری، بیکاری و کاهش رشد اقتصادی را به همراه داشته که خود از علل ایجاد ناترازی بانکی هستند.

ب) اثرات غیرمستقیم ناترازی

ریسک‌های سیستماتیک

ریسک سیستمی ناشی از ناترازی بانک‌ها، که به معنای احتمال وقوع سقوط ناگهانی در کل سیستم مالی است، می‌تواند باعث بی‌ثباتی یا آشفتگی در بازارهای پولی و مالی شود. در واقع، ادامه‌دار بودن شرایط ناترازی بانک‌ها منجر به گسترش تغییرات مهم اقتصادی و سرایت ریسک، به عنوان یکی از پیامدهای زیان‌بار این وضعیت، می‌شود (عیوضلو و رامشک، ۱۳۹۸). بحران‌های مالی می‌توانند باعث ورشکستگی بانک‌ها و کاهش اعتبار در کل سیستم مالی شوند و بنگاه‌ها با رکود و عدم تقاضا مواجه شوند.

افزایش بیکاری

با کاهش فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری، بنگاه‌ها ممکن است به کاهش نیروی کار و تعدیل کارکنان اقدام کنند. در شرایطی که بنگاه‌ها نمی‌توانند استخدام‌های جدید انجام دهند یا حتی مجبور به اخراج کارکنان خود شوند، این امر می‌تواند به بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی بیشتری منجر شود. به علاوه، بیکاری بالاتر می‌تواند به کاهش مصرف و تقاضا منجر شود که این خود می‌تواند تأثیرات منفی بیشتری بر روی بنگاه‌ها و رشد اقتصادی داشته باشد.

تأثیر بر زنجیره تأمین

ناترازی بانک‌ها می‌تواند زنجیره تأمین را تحت تأثیر قرار دهد. بنگاه‌ها به دلیل محدودیت‌های مالی ممکن است نتوانند به موقع مواد اولیه را تأمین کنند یا به تأمین‌کنندگان خود پرداخت کنند، که این موضوع می‌تواند منجر به اختلال در تولید و تأخیر در تحویل کالاها شود. این شرایط منجر به اختلال در فرایند تولید شده و تولیدکنندگان را وادار به توقف یا کاهش سرعت تولید می‌کند. علاوه بر این، قطعیت در زنجیره

تأمین کاهش می‌یابد و همکاری‌های آینده با تأمین‌کنندگان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این مشکلات می‌توانند به افزایش هزینه‌های تولید و کاهش بهره‌وری بنگاه‌ها منجر شود کاهش رضایت مشتری و کاهش سهم بازار بنگاه‌ها را به دنبال داشته باشد.

کاهش سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی

ناترازی‌های بانکی نه تنها بر بنگاه‌های اقتصادی بلکه بر سطح کل سرمایه‌گذاری در اقتصاد تأثیرگذارند. در شرایطی که بانک‌ها در ناترازی قرار دارند، معمولاً کمتر قادر به ارائه وام‌های کلان به دولت یا پروژه‌های عمومی هستند. این وضعیت می‌تواند به کاهش سطح سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی منجر شود و به نوبه خود به کاهش رشد اقتصادی منجر شود، چراکه سرمایه‌گذاری عمومی، به‌ویژه در زیرساخت‌ها، می‌تواند به توسعه اقتصادی و افزایش ظرفیت‌های تولیدی کمک کند. همچنین با افزایش هزینه‌ها و کاهش دسترسی به منابع مالی، بنگاه‌ها ممکن است از سرمایه‌گذاری در پروژه‌های جدید خودداری کنند. این عدم سرمایه‌گذاری می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی و نوآوری در بلندمدت منجر شود. علاوه بر این، ناترازی می‌تواند منجر به کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران شود. اگر سرمایه‌گذاران احساس کنند که ناترازی‌های بانکی می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر منفی بگذارد، ممکن است از سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های خاص صرف‌نظر کنند که به ایجاد چرخه‌ای منفی منجر می‌شود که در آن عدم سرمایه‌گذاری منجر به کاهش رشد و به نوبه خود به افزایش ناترازی‌های بانکی خواهد شد.

افزایش ریسک‌های اقتصادی و عدم قطعیت اقتصادی

این بی‌ثباتی می‌تواند تأثیرات منفی بر بازارها، سرمایه‌گذاران و بنگاه‌ها داشته باشد. به عنوان مثال، در دوران بحران‌های مالی، ناترازی‌های بانکی می‌تواند منجر به کاهش ارزش دارایی‌ها و افزایش نرخ بیکاری شود. این وضعیت به نوبه خود می‌تواند به کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران و در نتیجه کاهش سرمایه‌گذاری در بنگاه‌ها منجر شود. از طرف دیگر در شرایط ناترازی، قدرت بانک‌ها جهت بهره‌مندی از ابزار اهرم "نرخ سود سپرده بانکی بالاتر" برای جذب منابع از یک سو و دستیابی به ذخائر در بازار بین‌بانکی و منابع بانک مرکزی جهت خلق پول از هیچ از سوی دیگر، سبب مصرف عمدتاً سفته‌بازانه و نامولد منابع مالی می‌گردد (مینسکی و کافمن، ۲۰۰۸). این اتفاق باعث به هم زدن ثبات در بازارهای دیگر از جمله طلا، مسکن، ارز و زمین و سرازیر شدن سرمایه بانک‌ها به بخش‌های نامولد اقتصاد می‌شود و با افزایش تورم، موجب ایجاد اختلال در عملکرد بنگاه‌های اقتصادی خواهد شد (ارشدی و ندیمی کاخکی، ۱۴۰۳). در شرایط تورمی، منابع مالی از فعالیت‌های مولد خارج و باعث گسترش فعالیت‌های سودگرایانه می‌شود و با تشدید نابرابری‌های توزیع درآمد و ثروت در جامعه، تداوم سایه سنگین بخش غیرمولد بر مولد و دهک‌های بالای درآمدی بر پایین درآمدی در میان مدت و بلندمدت، اقتصاد کشور را از مسیر رشد و توسعه منحرف نموده و در تله رشدهای تصادفی و بی‌ثبات قرار خواهد داد درحالی‌که با کنترل ناترازی به عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر تورم، می‌توان زمینه را برای ایجاد ثبات اقتصادی و در نتیجه گسترش فعالیت‌های مولد فراهم نمود (شیرجیان و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین تورم شدید می‌تواند باعث ایجاد اختلال در نظام قیمت‌گذاری و برهم زدن توزیع درآمد در جامعه شود. افزون بر این، تورم اعتبار سیاست‌گذاران کلان اقتصادی، به‌ویژه بانک مرکزی را خدشه‌دار می‌کند و تداوم آن ممکن است به بی‌ثباتی سیاسی شدید در کشور منجر شود (غلامی، ۱۴۰۲). این شرایط می‌تواند منجر به رفتارهای محافظه کارانه‌تر در میان مصرف‌کنندگان، همانند کاهش خرید کالاها و خدمات و افزایش تمایل به پس‌انداز شود. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران نیز ممکن است از سرمایه‌گذاری‌های جدید صرف‌نظر کنند یا سرمایه‌گذاری‌های موجود را کاهش دهند، زیرا نمی‌توانند به سودآوری و امنیت سرمایه‌گذاری‌های خود اطمینان داشته باشند. بنابراین چنین شرایطی منجر به کاهش تقاضای کل و سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی و خدماتی می‌شود و توانایی بنگاه‌ها برای رشد و توسعه را محدود می‌کند.

تأثیر بر روابط بین‌الملل

اگر ناترازی‌های بانکی به بی‌ثباتی مالی منجر شود، این موضوع می‌تواند به کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت بین‌المللی آسیب برساند. بنگاه‌ها ممکن است به دلیل افزایش ریسک‌های اقتصادی و عدم قطعیت نتوانند به راحتی با شرکای بین‌المللی خود همکاری کنند. کاهش اعتماد می‌تواند منجر به کاهش ورود سرمایه‌گذاری‌های خارجی شود، زیرا سرمایه‌گذاران بین‌المللی از ریسک‌های اقتصادی بالاتر و عدم قطعیت

اجتناب می‌کنند. در نهایت، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و تجارت بین‌المللی می‌تواند رشد اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده و به کاهش توسعه و پیشرفت اقتصادی منجر شود.

تأثیر بر ثبات اجتماعی

مشکلات اقتصادی ناشی از ناترازی، مانند افزایش بیکاری و کاهش درآمدها، می‌تواند به بروز نارضایتی‌های اجتماعی و افزایش تنش‌های سیاسی منجر شود. این موضوع می‌تواند به ایجاد محیطی نامناسب برای کسب‌وکارها و بنگاه‌ها منتهی شود. در شرایطی که جامعه دچار نارضایتی باشد، بنگاه‌ها ممکن است با مشکلات بیشتری در جذب و نگهداری نیروی کار ماهر مواجه شوند، زیرا افراد بیکار و نارضایتی عمومی افزایش می‌یابد. همچنین، فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها ممکن است دچار اختلال شود، زیرا ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی به برهم‌زدن نظم عمومی و ایجاد مشکلات در تأمین منابع و مواد اولیه می‌انجامد.

تأثیر بر نوآوری و توسعه

زمانی که بنگاه‌ها با مشکلات تأمین مالی مواجه هستند، معمولاً نمی‌توانند به راحتی در پروژه‌های تحقیق و توسعه سرمایه‌گذاری کنند. این وضعیت می‌تواند به کاهش نوآوری و کاهش توان رقابتی بنگاه‌ها منجر شود. کاهش دسترسی به منابع مالی به‌ویژه بر پروژه‌های تحقیق و توسعه بنگاه‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، زیرا این پروژه‌ها معمولاً نیازمند سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و منابع مالی قابل توجهی هستند. بدون دسترسی به تأمین مالی مناسب، بنگاه‌ها قادر نخواهند بود در تکنولوژی‌های جدید، فرایندهای نوآورانه و تحقیقاتی که می‌تواند کارایی و رقابت‌پذیری آن‌ها را افزایش دهد، سرمایه‌گذاری کنند و این امر به معنی عدم توانایی بنگاه‌ها در انطباق با تغییرات بازار و پاسخگویی به نیازهای مشتریان است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر به بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی پرداخته و به لحاظ نظری نشان می‌دهد که ناترازی‌های مالی و نقدینگی در نظام بانکی می‌تواند به‌طور جدی بر عملکرد و رشد بنگاه‌ها تأثیر بگذارد. برای اثبات این تأثیرگذاری به داده‌های کمی نیاز است که در پژوهش دیگری به آن پرداخته خواهد شد. بر مبنای تحلیل نظری اثرات مستقیم ناترازی بانک‌ها بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی عبارت‌اند از: افزایش هزینه‌های تأمین مالی، کاهش دسترسی به اعتبار، کاهش ظرفیت تولید، اثر بر اشتغال، کاهش رقابت‌پذیری، اثر بر قیمت‌گذاری و حاشیه سود، اثر بر نوآوری و تحقیق و توسعه.

و اثرات غیرمستقیم ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی نیز عبارت‌اند از: ریسک‌های سیستماتیک، افزایش بیکاری، تأثیر بر زنجیره تأمین، کاهش سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی، افزایش ریسک‌های اقتصادی، تأثیر بر روابط بین‌الملل، تأثیر بر ثبات اجتماعی، تأثیر بر نوآوری و توسعه.

راهکارهای پیشنهادی

بر اساس نتایج تحقیق، می‌توان به چندین راهکار برای کاهش اثرات منفی ناترازی‌های بانکی اشاره کرد:

۱. بهبود نظام نظارتی: تقویت نظارت بر بانک‌ها و ایجاد سازوکارهای مؤثر برای شناسایی و مدیریت ناترازی‌ها می‌تواند به کاهش ریسک‌های مالی و جلوگیری از بحران‌های بانکی کمک کند. این نظارت باید شامل بررسی مداوم وضعیت مالی بانک‌ها و ایجاد محدودیت‌های لازم برای مدیریت ریسک‌های مربوط به وام‌دهی باشد.
۲. ایجاد نظام هوشمند هدایت اعتبارات: ایجاد یک نظام هوشمند برای هدایت اعتبارات به سمت اولویت‌های رشد و توسعه اقتصاد ملی و اعمال کنترل‌های مستقیم بر مدیریت متغیرهای جزو الزامات مسیر کاهش اثرات منفی ناترازی بانکی است.
۳. ایجاد سازوکار متوقف کردن رشد دارایی‌های موهومی و منجمد و حذف از ترازنامه بانک‌ها: با حذف این دارایی‌ها، نه تنها از ایجاد نقدینگی مضاعف جلوگیری می‌شود، بلکه فرایند امحای نقدینگی بی‌کیفیت نیز تکمیل می‌گردد. عدم حذف دارایی‌های غیرجاری از

ترازنامه بانکها، سرعت امحای نقدینگی را مختل می‌کند و منجر به شکل‌گیری روند مخربی از افزایش خلق نقدینگی ناسالم در اقتصاد می‌شود که مستقل از توان تسهیلات‌دهی بانک‌هاست و ماندگاری این دارایی‌ها در ترازنامه بانک‌ها به دلیل عدم تکمیل فرایند امحای نقدینگی، باعث انفعال بیشتر بانک مرکزی در بازار پول خواهد شد و کارایی سیاست‌های پولی را به دلیل افزایش ناترازی بانک‌ها با چالش‌های جدی مواجه می‌کند.

۴. تسهیل دسترسی به اعتبار: ایجاد برنامه‌های حمایتی برای بنگاه‌ها، به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط، به‌منظور تسهیل دسترسی آن‌ها به منابع مالی، یکی از راهکارهای مؤثر برای رفع اثرات ناترازی بانک‌ها بر بنگاه‌های اقتصادی است. این برنامه‌ها می‌توانند شامل تضمین وام‌ها و ارائه مشوق‌های مالی برای بانک‌ها به‌منظور تشویق آن‌ها به اعطای وام به بنگاه‌ها باشند. تضمین وام‌ها می‌تواند به کاهش ریسک بانک‌ها در ارائه تسهیلات مالی به بنگاه‌های کوچک و متوسط کمک کند، زیرا در صورت نکول وام، دولت یا نهادهای مالی تضمین دهنده می‌توانند بخشی از خسارت را جبران کنند. از سوی دیگر، ارائه مشوق‌های مالی برای بانک‌ها، مانند کاهش نرخ سود سپرده یا ارائه تسهیلات مالیاتی، می‌تواند انگیزه بیشتری برای بانک‌ها به‌منظور تأمین مالی بنگاه‌ها فراهم کند. این برنامه‌های حمایتی نه تنها به تسهیل دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی کمک می‌کنند، بلکه می‌توانند به افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها منجر شوند.

۵. تأکید بر نوآوری و تحقیق: به‌منظور مقابله با اثرات منفی ناترازی‌های بانکی، بنگاه‌ها باید به دنبال راهکارهای نوآورانه برای تأمین منابع مالی و افزایش کارایی خود باشند. این راهکارها می‌توانند شامل توسعه مدل‌های کسب‌وکار جدید و ایجاد محصولات نوآورانه باشند که باعث بهبود کارایی و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها می‌شود. تحقیق و توسعه مداوم به بنگاه‌ها کمک می‌کند تا با شناسایی نیازهای بازار و تطبیق با تغییرات آن، محصولات و خدمات جدیدی ارائه دهند که جذابیت بیشتری برای مشتریان دارند. همچنین، این فرایند به بهبود فرایندهای تولید و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها منجر می‌شود.

در نهایت پیشنهاد می‌شود در یک پژوهش تفصیلی، بر اساس داده‌های نظام بانکی و عملکرد بنگاه‌های اقتصادی معناداری متغیرهای واسطه‌ای مستقیم و غیرمستقیم بررسی شده تا سیاست‌گذار نظام اقتصادی برای کنترل این متغیرها برنامه‌ریزی ویژه‌ای در جهت کاهش اثر منفی ناترازی نظام بانکی بر روی عملکرد بنگاه‌های اقتصادی انجام دهد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

Extended Abstract

Introduction

Banking imbalance has emerged as a central concern in contemporary financial systems, particularly in economies with structural vulnerabilities where banks play a dominant role in resource allocation and credit intermediation. Imbalance occurs when there is a mismatch between banks' assets and liabilities, resulting in a disequilibrium that undermines their stability and, by extension, the stability of the wider economy. In the context of Iran and other developing countries, banking imbalances have intensified due to macroeconomic fluctuations, insufficient regulatory oversight, and systemic inefficiencies (Shirijian, Farzin, Hadinejad, & Damankeshideh, 2023). Banks function as primary financial intermediaries; thus, any disruption in their balance sheets can significantly constrain credit allocation, investment decisions, and the overall trajectory of economic growth (Chenaran, Yavari, Heidari, & Sharifzadeh, 2023).

The phenomenon of imbalance is not merely a technical matter of accounting; rather, it is intrinsically tied to wider economic, social, and political implications. For instance, weaknesses in internal and external supervision, including deficiencies in auditing practices and insufficient central bank oversight, have enabled banks to conceal their financial disequilibria by inflating fictitious assets, rescheduling non-performing loans, or overvaluing fixed assets (Doroudian, 2018). Such practices create opacity in financial reporting, meaning that bank failures often occur suddenly and without prior warning to depositors and investors (Central Bank of the Islamic Republic of Iran, 2022). The international literature similarly emphasizes that banking crises, when left unchecked, transmit adverse shocks to the real economy, suppress innovation, and reduce competitiveness (Kristóf & Virág, 2022; Haan, Fang, & Jing, 2020).

Banking imbalances also generate chain reactions across macroeconomic variables, such as inflation, exchange rate volatility, and unemployment. In Iran, the persistence of such imbalances over recent decades has been identified as a driver of instability, leading to a misallocation of credit from productive to speculative sectors, depreciation of the national currency, and recurring inflationary pressures (Abdollahipour & Bet Shekan, 2020; Shakeri, 2008). These issues underscore the dual challenge policymakers face: addressing structural weaknesses within the banking sector while simultaneously safeguarding economic enterprises that rely on banks for financing and liquidity.

The central question, therefore, is through which mechanisms banking imbalances exert their effects on enterprises and whether these effects are direct—such as higher borrowing costs and reduced access to credit—or indirect—such as systemic risks, reduced public and private investment, and diminished social stability. Previous research indicates that in both advanced and developing economies, the presence of imbalance magnifies vulnerability to crises, while proactive regulation and restructuring can mitigate risks (Brzoza-Brzezina & Makarski, 2010; Flanagan & Purnanandam, 2019). Building on these insights, the present study explores mediating factors in the relationship between banking imbalance and enterprise performance, offering a comprehensive framework for understanding its channels of influence and highlighting implications for economic stability and policy reform.

Methods and Materials

The research adopts an analytical-documentary method, which is particularly suited for examining financial phenomena with complex theoretical underpinnings and limited accessible quantitative data. By systematically reviewing academic literature, policy documents, financial reports, and previous empirical studies, the study identifies mediating mechanisms through which banking imbalances impact enterprises. The documentary analysis encompasses both domestic and international sources, ensuring that the findings reflect the specific realities of Iran's financial system while remaining aligned with global theoretical debates. The method also allows for triangulation across multiple forms of evidence, ensuring robustness and coherence in the derived conclusions.

Findings

The findings demonstrate that banking imbalance exerts both direct and indirect effects on the performance of economic enterprises.

Direct effects include increased financing costs, as banks facing imbalances tend to raise lending rates to compensate for heightened risk, thereby reducing profit margins and discouraging new investments. Enterprises also face reduced access to credit, as banks become more conservative in loan allocation, particularly impacting small and medium-sized enterprises. The imbalance constrains production capacity, since firms are unable to invest in new technology, infrastructure, or workforce expansion. Employment levels suffer as enterprises cut back on hiring or lay off existing staff to offset higher financial costs. Competitive capacity diminishes, as firms unable to secure sufficient financing struggle to maintain market share or pursue innovation. Furthermore, imbalances influence pricing and profit margins, with enterprises often forced to raise prices to cope with higher borrowing costs, leading to reduced consumer demand. Lastly, research and development activities are curtailed, as firms prioritize short-term survival over long-term innovation.

Indirect effects extend the impact of banking imbalance beyond individual enterprises to the broader economy. Systemic risks increase as imbalances spread through the financial system, creating uncertainty and vulnerability to crises. Rising unemployment, resulting from reduced enterprise activity, amplifies social and economic instability. Supply chains are disrupted, as financially constrained firms fail to secure raw materials or meet obligations to suppliers, leading to production delays and inefficiencies. Public and private investment declines, since both governments and enterprises face restricted access to financing for large-scale projects. Broader economic risks also escalate, including inflationary pressures and speculative capital flows that undermine stability. International relations are negatively affected, as diminished economic credibility deters foreign investment and restricts trade partnerships. Social stability is threatened, as unemployment and declining incomes contribute to unrest and dissatisfaction. Finally, innovation and development are hampered, as firms reduce long-term investments critical for technological progress and competitiveness.

Discussion and Conclusion

The study highlights that banking imbalance is not an isolated issue within the financial sector but a systemic challenge with significant implications for enterprises and the broader economy. The direct effects demonstrate how enterprises are immediately constrained in their operational and financial decision-making, while the indirect effects reveal the wider ripple impacts on macroeconomic stability, social cohesion, and international credibility. Taken together, these findings underscore the need for policymakers to adopt multidimensional strategies that address both the financial root causes of imbalance and the economic outcomes for enterprises. The analysis suggests that strengthening regulatory frameworks, improving transparency in bank reporting, and restructuring non-performing assets are essential steps in mitigating imbalance. Moreover, targeted support for enterprises, particularly in the form of guaranteed credit access for small and medium-sized firms, can reduce vulnerability and sustain innovation. Addressing imbalance also requires broader structural reforms,

such as aligning deposit and lending rates with inflationary conditions, curbing speculative activities, and incentivizing banks to channel resources into productive sectors.

Ultimately, banking imbalance creates a vicious cycle in which financial instability suppresses enterprise growth, while reduced enterprise activity reinforces banking vulnerabilities. Breaking this cycle demands a coordinated effort between regulators, policymakers, and enterprises, grounded in transparent oversight, sound economic management, and a long-term vision for sustainable development. The study thus provides not only a theoretical framework for understanding the mechanisms of imbalance but also practical insights for mitigating its consequences and fostering a more resilient financial and economic system.

References

- Abdollahipour, M., & Bet Shekan, M. (2020). Strategies for financial restructuring of banks in Iran. *Asset Management and Financing*, 8(4), 1–20.
- Aghaezadeh, M., & Rezaqoli, M. (2016). An examination of factors affecting the volume of overdue and matured receivables of selected branches of Sepah Bank. *Islamic Finance and Banking Studies*, 3(2), 95–111.
- Arshadi, V., & Nadimi Kakhaki, M. (2024). The relationship of bank ownership of enterprises with the inflation rate and its implications for changes in bank deposit rates. *Conference on Islamic Economics Facing the Fundamental Challenges of Iran's Economy*.
- Brzoza-Brzezina, M., & Makarski, K. (2010). Credit crunch in a small open economy. *SSRN Electronic Journal*, 179(1), 14.
- Central Bank of the Islamic Republic of Iran. (2022). *Selected economic statistics: Monetary and banking sector*.
- Chenaran, H., Yavari, K., Heidari, H., & Sharifzadeh, M. J. (2023). Analysis and evaluation of banking imbalance in Iran and its effect on economic growth using a DSGE model: Counteracting policies.
- Doroudian, H. (2018). Economic policy research: Banking imbalance—What happened and what should be done. *Hekmataneh*, 19(3), 41–45.
- Doroudian, H. (2018). Opportunities and threats in the banking system (Part II). *Hekmataneh*, 17(3), 15–21.
- Doroudian, H., & Seyed Mahdi, H. D. (2020). Hidden imbalance in the Iranian banking network (2014–2017): Analysis of nature and roots. *Research Center of the Islamic Consultative Assembly*.
- Doulou, M., Qaleri, H., & Safari, A. (2017). Off-balance sheet items and the performance of commercial banks. *Financial Management Strategy*, 17(5), 135–158.
- Eyvzloo, R., & Rameshg, M. (2019). Measuring systemic risk using expected shortfall and conditional value at risk and ranking banks.
- Flanagan, T., & Purnanandam, A. K. (2019). Underreporting of bank risk: Does shareholder–manager distance matter? *SSRN Electronic Journal*, 21, 243.
- Gholami, A. (2023). The government's role in controlling inflation and fostering production growth.
- Haan, J. de, Fang, Y., & Jing, Z. (2020). Does the risk on banks' balance sheets predict banking crises? New evidence for developing countries. *International Review of Economics & Finance*, 68, 254–268.
- Heidarali, A., & Yousefzadeh-Fard, H. (2016). The efficiency of monetary and credit policy instruments in controlling liquidity and inflation. *First National Conference on Creative Economy*.
- Kristóf, T., & Virág, M. (2022). EU-27 bank failure prediction with C5.0 decision trees and deep learning neural networks. *Research in International Business and Finance*, 61(1), 101644.
- Mahdavi-Mazdeh, A., Elahi, N., Komijani, A., & Dadjouei-Tavakoli, A. (2019). The effects of real and monetary-financial variables on the deposit interest rate in Iran. *Financial Economics*, 46(13), 1–24.
- Parvin, S., Ebrahimi, A., & Ahmadian, A. (2014). An analysis of the impact of balance sheet shocks in the banking system on production and inflation in Iran's economy (a DSGE approach). *Economic Research Journal*, 14(52), 149–186.
- Shabani-Fard, A., & Seyed-Mousavi, M. (2023). A pathology of supervisory structures over monetary and financial institutions in Iran. *Legal Studies*, 67(8), 295–309.
- Shahabi, V., Tehamipour, S., Shahabi, A., & Amiri, M. (2024). An examination of the formation process of imbalance phenomenon in Iranian banks and proposed countermeasures. *Applied Theories of Economics*, 10(4), 173–204.
- Shakeri, A. (2008). Changes in liquidity growth in Iran's economy (trends and causes). *Research Center of the Islamic Consultative Assembly*.
- Shirijian, M., Farzin, M. R., Hadinejad, M., & Damankeshideh, M. (2023). The efficiency of the monetary policy instrument of interest rate in managing inflation under banking system imbalance and imbalance analysis based on Islamic banking requirements. *Islamic Finance Research*, 12(2), 74–101.

Zamanzadeh, H., & Badri, A. (2017). An analysis of the effects of balance sheet imbalance in the banking system on monetary variables and adjustment solutions. *Monetary and Banking Research*, 34(10), 621–656.